

آلن رُب گری یه

پاک‌کن‌ها

ترجمه پرویز شهدی

نسل آفتاب

انتشارات نسل آفتاب

دفتر انتشارات: خیابان انقلاب، خ فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۱۴، طبقه دوم، واحد ۳، تلفن: ۷-۶۶۹۷۷۹۶۴ و ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰

www.sababook.com

■ پاک‌کن‌ها

نویسنده: آلن روب‌گریه
ناشر: نسل آفتاب
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
ترجمه: پرویز شهیدی
چاپ و صحافی: طیف‌نگار
تعداد: ۱۳۹۳
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۴۷-۲۹-۱۴
طراحی و صفحه‌آرایی: علنی اکبر حکیم آبادی
کلیه حقوق برای حمیدرضا مددوح محفوظ می‌باشد.

روب-گریه، آث: ۱۹۲۲-۲۰۰۸م.

پاک‌کن‌ها/ آلن روب‌گریه؛ ترجمه پرویز شهیدی.

تهران: نشر نسل آفتاب ۱۳۸۹.

۳۴۴ ص.

ISBN 978-600-5847-29-14

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۴۷-۲۹-۱۴

داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰م.

۲۶۱۷/۱۰ / ۱۳۸۹۲۵ پ

۲۱۶۷۴۹۹

۹۱۴/۸۴۳

سخن مترجم

۱- درباره آلن رب گریه

آلن رب گریه رمان‌نویس و فیلمنامه‌نویس فرانسوی در سال ۱۹۲۲ در برست^۱ به دنیا آمده. در رشته مهندسی کشاورزی تحصیل کرد و برای مطالعه در این رشته، به سفرهای زیادی به مارتینیک، گوادلوپ، گینه و مراکش رفت.

نقطه عطف زندگی‌اش میان سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۵ است. هنگامی که دو رمانش «پاک‌کن‌ها» و سپس «نظاره‌گر»، یکی پس از دیگری جایزه فنئون^۲ و جایزه منتقدان را برد. از ۱۹۶۰ به سینما رو آورد و در همان حال به نوشتن رمان نیز ادامه داد. با همکاری آلن رنه^۳ تهیه‌کننده و کارگردان فرانسوی فیلمنامه «سال گذشته در مارین باد»^۴ را نوشت. این فیلم واقعه سینمایی مهم سال ۱۹۶۱ شد و جایزه شیرطلای فستیوال ونیز را به خود

1. Brest

2. Feneon

3. Alam Resnais

۴. این فیلمنامه توسط همین مترجم و انتشارات نسل آفتاب به چاپ رسیده است.

اختصاص داد. پس از آن به عنوان فیلمنامه‌نویس و کارگردان فیلم‌های: «ترانس اوروپ اکسپرس» (۱۹۶۶)، «مردی که دروغ می‌گوید» (۱۹۶۸)، «عدن و بعد» (۱۹۷۱)، «لغزش‌های تدریجی لذت» (۱۹۷۴)، و «بازی با آتش» (۱۹۷۵) را روی پرده آورد. خودش در این باره می‌گوید: «من همیشه مبتدی بوده‌ام؛ در بیست سالگی حرفه مهندسی کشاورزی را شروع کردم، در سی سالگی رمان‌نویسی را، در چهل سالگی سینماگری را و به همین ترتیب در پنجاه سالگی شروع کردم به کار نقاشی و در شصت سالگی شاید به موسیقی بیردازم.» در ۱۹۵۶ مشاور ادبی بنگاه انتشاراتی مینوی^۱ شد. از همین زمان در کشمکش میان «قدیمی‌ها» و «جدیدی‌ها» که با اصول رمان مبتنی مخالفند شرکت کرد. سلسله مقاله‌هایی در مجله اکسپرس علیه روش‌های سنتی رمان که از قرن نوزدهم به ارث رسیده بود، و دفاع از «رمان آینده» نوشت، که در ۱۹۶۳ در کتابی زیر عنوان «برای رمانی نو»^۲ منتشر شد.

همانطور که گفته شد در کنار فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی به نوشتن رمان‌هایش نیز ادامه داد: «شاه‌کشی» (۱۹۴۹)، «پاک‌کن‌ها» (۱۹۵۳)، «نظاره‌گر» (۱۹۵۵)، «ژانوزی» (۱۹۵۷)، «در هزار تو» (۱۹۵۹)، «سال گذشته در مارین باد» (۱۹۶۱)، «فوری» (مجموعه داستان ۱۹۶۲)، «جاودانه» (۱۹۶۳)، «برای رمانی نو» (۱۹۶۳)، «وعده‌گاه» (۱۹۶۵)، «طرح برای انقلابی در نیویورک» (۱۹۷۰)، «لغزش‌های تدریجی لذت» (۱۹۷۴)، «تعیین وضعیت شهری خیالی» (۱۹۷۶)، «خاطرات مثلث طلایی» (۱۹۷۸)، «جن» (۱۹۸۱)، «آینه‌ای که باز می‌گردد» (۱۹۸۵)، «آنزلیک یا شیفتگی» (۱۹۸۸)، از او منتشر می‌شود.

۲- درباره «رمان نو»

با کتاب «تروپسم»^۱ اثر ناتالی ساروت^۲، گونه جدیدی از رمان آغاز می‌شود که رمان «پاک‌کن‌ها»ی رِب گری به آن استحکام می‌بخشد. رمان نو مکتب نیست، جنبشی است بدون رهبر و بدون مجله یا روزنامه، با این همه جهت‌گیری‌های رِب گری به او را رهبر ضمنی این جنبش می‌سازد. رمان نو به آنچه در رمان سنتی معمولاً قهرمان و یا شخصیت (پرسوناژ) و روند منطقی سلسله حوادث داستان اطلاق می‌شود اعتقادی ندارد، بلکه به روانکاوی جنبه‌های غیرعادی و نقاط تاریک شخصیت انسان می‌پردازد. شخصیت داستان هویت خاصی ندارد، تبدیل می‌شود به یک حرف اول اسم («سال گذشته در مارین باد» و «جاودانه»)، یا یک ضمیر شخصی مذکر و مؤنث (هیروشیما عشق من، اثر مارگریت دوراس). در رمان کلاسیک، ماجرا با درک دنیایی نظم یافته مطابقت دارد، ولی رمان نو داستان را درهم می‌ریزد. ماجرا به جای این که با نواختن منطقی پیش برود، دور می‌زند و هر بار از دیدهای گوناگون تکرار می‌شود. زمان از سازمان منظم سلسله حوادث سر می‌پیچد، برای رِب گری به زمان حال اخباری می‌شود و برای کلود سیمون^۳ اسم فاعل. رمان نو به ویژه هرگونه اشتغال ذهنی آیدنولوژیک را دور می‌ریزد. به نظر رِب گری به، انتقال یک اندیشه، به کارگیری قالبی سنتی را انجام می‌کند.

هرچند ناتالی ساروت و میشل بوتور^۴ هنوز به روانشناسی اعماق علاقه‌مندند، ولی رِب گری به بر این نظر خرده می‌گیرد. کلود سیمون اشیا مکان‌ها و پدیده‌ها را آن‌طور که هستند، بدون دادن هیچ توضیحی روی کاغذ می‌آورد.

۱. Tropismes در لغت به نیرویی ناشناخته گفته می‌شود که گروه یا پدیده‌ای را به انتخاب جهتی خاص وامی‌دارد.

2. Nathalie Sarraute

3. Claude Simon

4. Michel Butor

در رمان نو نه جذابیت موضوع برای نویسنده اهمیت دارد، نه تسلسل منطقی حوادث و نه شخصیت‌های داستان. موضوع فقط قالبی است برای بازنمایی سلسله حوادثی که ممکن است هیچ ربطی به هم نداشته باشند و شخصیت‌ها، نظیر رهگذرانی هستند که از خیابان یا کوچه‌ای می‌گذرند. قلم نویسنده همچون دوربین فیلمبرداری تا زمانی که شخصیت در میدان دید دوربین است لحظه یا لحظه‌هایی چند از او را ضبط می‌کند و بعد به حال خود وامی‌گذارد، تا زمانی که دوباره گذر او به این خیابان یا کوچه بیفتد. به طور خلاصه نویسنده رمان نو به هیچ وجه چیزی را از خود ابداع یا خلق نمی‌کند و افکار و خواسته‌هایش را از زبان فرد یا افراد به زبان نمی‌آورد، بلکه دیده‌ها و شنیده‌های خود را در قالبی نه چندان متجسس گرد هم می‌آورد و قصاوت و برداشت درباره آن‌ها را به عهده خواننده می‌گذارد.

مشهورترین نویسندگانی که در فرانسه به این سبک کتاب نوشته‌اند عبارتند از: ناتالی ساروت، آلن رب گریه، مارگریت دوراس، میشل بوتور و کنود سیمون. ناگفته نماند که این نویسندگان ادعا نمی‌کنند ابداع کننده اولیه این سبک هستند، بلکه پروست و جویس را پیش کسوت خود می‌دانند، ناتالی ساروت به داستایفسکی و کافکا ارج می‌نهد و رب گریه به «بیگانه» کامو و «تهوع» سارتر.

۳- درباره کتاب حاضر

«پاک‌کن‌ها» در دید اول کتابی است پلیسی با فرمول‌ها و روش‌های سستی آن: گروهی توطئه می‌کنند، قتل‌هایی صورت می‌گیرد، فرستاده ویژه‌ای مأمور رسیدگی به آن‌ها و پرس و جو از شهود و بازدید از محل قتل می‌شود. ولی همان‌طور که گفته شد این قالب بهانه‌ای بیش نیست و اهمیت کتاب در صورت غایبه‌ای آن نیست، بلکه در ساختارش است که همچون

اجزای یک ساعت در هماهنگی با هم متحول می‌شوند. عوامل وصفی چندین بار در آن تکرار می‌شود و هربار از دیدی متفاوت. داستان ابعاد خاصی ندارد تا بتواند اشکال گوناگون یک واقعیت را در زمان‌ها و از دید افراد متفاوت به خود بگیرد. فضا از هم تفکیک می‌شود، ابعاد هندسی‌اش را که به نحوی ساختگی اطمینان‌بخش است از دست می‌دهد، زمان در سردرگمی گذشته، حال و آینده مستحیل می‌شود.

داستان در شهری ساحلی روی می‌دهد، پر از آبراه و پلهای متحرک. نه نامی دارد و نه جایی خاص، کوچه‌ها و خیابانها حلزونی وار دور خود می‌چرخند و اغلب به همان جایی ختم می‌شوند که آغاز شده‌اند. از شخصیتها جز اسم و مشخصات ظاهری بسیار اندک، چیز دیگری نمی‌دانیم. به همان شکلی که از وهگذران توی یک کوچه یا خیابان نمی‌توانیم شناختی داشته باشیم. نویسنده چشم‌اندازها، اشخاص و حوادث را بدون هیچ توضیح و تفسیری به خواننده نشان می‌دهد و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از آنها را به عهده خود او می‌گذارد. نویسنده در «زمان نو» برخلاف «زمان سنتی» هیچ نقشی در داستان ندارد.

اگرچه ر ب گری به هنگام نوشتن این کتاب هنوز به کار سینما و فیلمنامه نویسی رو نیاورده بود، ولی کاملاً مشخص است که داستان را از دید یک فیلمنامه نویس یا کارگردان و یا هر دوی آنها روایت می‌کند. در نتیجه بازیگرهای آن خود خواننده است که می‌تواند به جای هریک، یا همه شخصیتها نقش ایفا کند، در قالب هریک از آنها برود و حوادث را برحسب دید و برداشت خود تعبیر کند.

ر ب گری به دوست دارد در داستان‌ها و حتی فیلمنامه‌هایش اسطوره‌ها را هم وارد کند. در کتاب حاضر، از همان ابتدا، با اشاره‌هایی کوتاه و گاه نیمه‌تمام، سرخ‌هایی به دست خواننده می‌دهد: چیستان کدام حیوان است که صبح... یا دو حرف اول میان کلمه‌ای روی مداد پاک‌کن

که دو حرف وسط اودیپ است، یا تصویری از شهر تبای در ویشترین کتاب‌های... همگی اشاره به داستان اودیپ دارد.

کار شناساندن نویسنده‌های این گروه در ایران، با ترجمه آثار مارگریت دوراس آغاز شد ولی رب گری به اگرچه آثارش به همان اهمیت آثار دوراس است. و اگرچه مثل او که فیلمنامه «هیروشیما، عشق من» به شهرت رساندش، با فیلمنامه «سال گذشته در عارین باد» در دنیا معروف شد، متأسفانه اقبال هموطنش خانم دوراس را نداشت و تا آنجا که من اطلاع دارم جز سینه - رمان «جاودانه» با عنوان «ماندگار»، کار دیگری از او به فارسی ترجمه نشده است.^۱ امیدوارم با این ترجمه، راه برای شناساندن بیشتر نویسنده ارزشمند فرانسوی باز شود. ناگفته نماند که ترجمه کتاب «جاده‌های فلاندر» اثر کلود سیمون کوشش دیگری بوده است برای معرفی «رمان نو» به هموطنان ما.

پ.ش

^۱ این مقدمه مربوط به چاپ اول این کتاب است. پس از آن، چندین اثر دیگر از این نویسنده به وسیله مترجمانی دیگر به بازار آمد و باعث شناسایی بیشتر آثار رب گری به